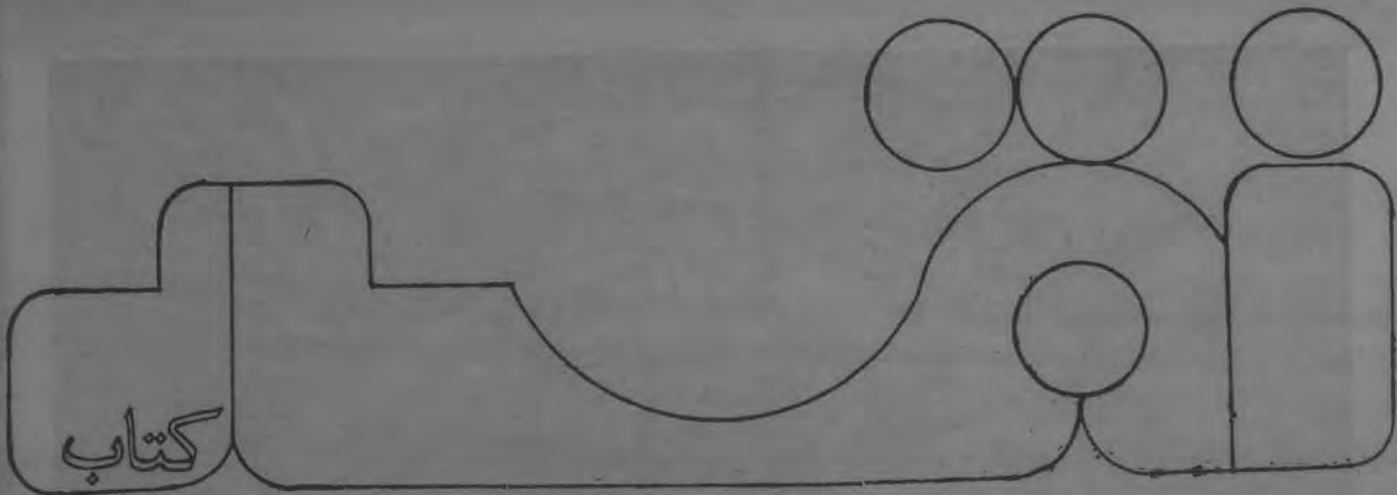


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

علم اقتصاد

لودویگ . اچ . مای
ترجمه : علی اصغر هدایتی
از انتشارات شرکت سهامی جیبی



مقاله زیر مقدمه‌ای است از کتابت آموزنده و برادرشی بنام «علم اقتصاد» که اخیراً بهمت شرکت سهامی انتشارات جیبی منتشر شده است. این کتاب از سری کتابهایی است که انتشارات جیبی زیر نظر دکتر ناصر پاکدامن در زمینه علوم اجتماعی منتشر میکند.

بشر و جهان

یکی از بزرگترین اسرار برای بشر، جهانی است که او را دربر گرفته است. کوشش برای درک جهان هستی از ستاره شناسی در مصر قدیم آغاز شد، در نجوم یونان باستان تکامل یافت و سرانجام استدلال علمی را بنیان نهاد. روشهای پیشرفته عینی وسیله ثبت هزاران ستاره، کهکشان و سیاهی ماریچی (۱) را فراهم ساخت. معذک اینها جزئی از میلیونها کائناتی است که در آسمانها به چشم می‌خورند و گروه گروه یا تنها تنها فراخانی بی‌انتهای جهان هستی را در می‌نورند. باین همه، در وراء آنها، شماره ستارگانی که باید به کشف درآیند چه اندازه است؟

منظومه شمسی یکی از مجموعه‌هایی است که همه کم و بیش با آن آشناییم. مرکز این منظومه یعنی خورشید در فضا با سرعت بسیار به سوی ستاره «وگا»* گردش می‌کند و به همراه آن نه سیاره اصلی، اقمار آنها و هزاران خرده سیاره (۲) در حرکت هستند. در این میان، زمین ما یکی از کوچکترین سیارات است. هفتاد درصد این سیاره که قرنهاي متمادی از عمر آن می‌گذرد از آب وسی درصد بقیه از خاک تشکیل می‌شود. تقریباً چهل درصد از سطح خاکی زمین، به استثنای مناطق قطبی، قابل کشت و زرع است.

بر روی این زمین، افراد بشر سالیان دراز و بی‌شمار سکونت نموده‌اند. پنجهزار سال تاریخ مدون و مطالعات باستان‌شناسی که سابقه تاریخی آن تا به عصر حجر مربوط می‌شود نشان می‌دهد که بشر، در عین حفظ موجودیت فردی خود، عادتاً به شکل گروهی زندگی می‌کرده است. به عبارت دیگر، زمانی را یافت که بشر طی آن به تنهایی زندگی کرده باشد. از قدیمترین ایام تا به امروز، خانواده یا طایفه که از طریق قرابت نسبی یا سببی به یکدیگر مرتبط می‌شوند، گروه اصلی را تشکیل داده است، از قبایل بدوی تا تمدنهای بزرگ معاصر، این گروه اصلی پایه‌گذار هر جامعه بوده است.

احتیاجات و خواسته‌های انسان

انگیزه صیانت ذات، میل به بقاء نوع، انگیزه استدلال منطقی و حقیقت جویی، بشر را در اعمال و فعالیتهای خود راهنمایی و رهبری می‌کند.

انگیزه کشف حقیقت وجود، انگیزه‌ای است منحصر به فرد که در هیچ يك از موجودات دیگر ملاحظه نمی‌شود. این جستجو برای یافتن پاسخ به سئوالاتی که به مبدأ و سرنوشت مربوط می‌شود انجام می‌گیرد. بشر برای بیان موجودیت خود در جستجو بوده است و اهتمام ورزیده است که درباره طرز کار و وظایف محیطی که در آن به سر می‌برد دلائلی ارائه دهد: بشر شدیداً آرزو داشته است که این خواسته‌ها را به مرحله عمل درآورد و بر این

عقیده بوده است که از این رهگذر، کلید سعادت را که سرانجام برای او صلح و صفا به ارمغان می‌آورد به دست خواهد آورد. بشر می‌تواند بیندیشد و استدلال کند. بشر از نیروی تخیل برخوردار است و قادر به تبادل اطلاعات و افکار و انتقال تجربه و دانش خود به دیگران می‌باشد. این قابلیت‌های ذهنی و روحی، بشر را آرزومند پیشرفت، مخترع و مالک‌الرقاب زمین ساخته است. بشر تنها موجودی است که می‌تواند این رهبری را به عهده گیرد. رهبری که در این سیاره، جز او به هیچ جنبنده دیگری ارزانی نشده است. قدرت جسمی و انرژی بشر مع‌النساف مقهور و منکوب عوامل طبیعی و برخی حیوانات قرار دارد. بدین سان، ادامه بقا و تفوق او بر زمین منوط به استفاده از قدرت ذهنی و منابع خواهد بود.

در میان قوانین اساسی زندگی، انگیزه صیانت ذات نه تنها در مورد انسانها بلکه در مورد حیوانات نیز اهمیت و مرتبت خاصی را حائز است. انگیزه صیانت ذات موجب می‌شود که افراد به منظور حفظ بقا و بهزیستی و نگاهداری خود در برابر انهدام و نیستی، استعدادهای خود را به کار

اندازند. صیانت ذات و حفظ نوع مستلزم آن است که اشیاء مادی جایگزین انرژی و تلاش گردد که به هنگام حیات روبه‌کاهش می‌گذارد یا از بین می‌رود. این احتیاجات زمینی بشر، احتیاجاتی طبیعی و غیر قابل اجتناب هستند. این احتیاجات همچنان تجدید می‌شوند. امروز بر طرف می‌گردند و فردا دیگری بار به میان می‌آیند. این احتیاجات محدود به حداکثر و حداقلی می‌باشند. بشر به هوا، آب و غذا احتیاج دارد. بشر برای حفظ خود در برابر شرایط نامطلوب محتاج به لباس، پناهگاه و سلاح است. همگی این اشیاء برای زندگانی لازم است. باوجود این، بشر معمولاً به تامین این گونه احتیاجات اساسی قانع نیست. بشر می‌خواهد از زندگی لذت برد، زندگی را زیبا سازد و در رفاه و آسایش به سربرد. این گونه خواسته‌ها، در تغییر، نامحدود و بی‌حد و حصرند. اگر تمامی خواسته‌ها هم‌امروز تامین می‌گردید از این حیث رضایت کامل به وجود نمی‌آمد، بلکه خواسته‌های جدیدتری به میان می‌آمد که در روزهای آینده می‌بایست برآورده شود. خواسته‌ها در نقاط مختلف گیتی، بر حسب نوع زندگی، عادات و رسوم بایکدیگر اختلاف دارند. خواسته‌ها بر حسب سن، جنس و ساختمان افراد هم بایکدیگر متفاوتند. طرز تلقی از خواسته‌ها و تا اندازه‌ای احتیاجات ممکن است در زمانی معین و تحت شرایط مختلف تغییر پذیرد. خواسته‌ها ممکن است به احتیاجات تغییر شکل یابند و احتیاجات ممکن است به صورت خواسته‌ها درآیند.

در گذشته و نیز در زمان حاضر، بخش عظیمی از جمعیت جهان بر این عقیده بوده و هست که آزادی از میل به کالاهای مادی تا آنجا



که وضع جسمانی اجازه دهد به سر منزل خوشبختی می‌پیوندد. اینان معتقدند که ناراحتی و نارضایی بشر ناشی از خواستهایی است که پیوسته در طلب آن است. اینان می‌گویند: «برای آنکه شاد و آزاد باشید، خواسته‌ها را تحت سیطره خود درآوردید و عنان امیال را در دست بگیرید.»

دسته‌ای دیگر عقیده دارند که خوشبختی از طریق تامین خواسته‌ها تا سرحد امکان تحقق می‌پذیرد. اینان چنین اظهار نظر می‌کنند که در گذشته جنگلی پیشرفتهای مادی، بهبود و بهزیستی حاصله، نتیجه تلاش و مبارزه مداوم و خستگی ناپذیری بوده است که برای تامین احتیاجات و ارضاء هر چه بیشتر خواسته‌ها مبذول گردیده است.

باز هم دسته دیگری وجود دارند که هر دو گروه را افراطی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که حل این مشکل منوط به انتخاب خواسته‌ها است. اینان می‌گویند: «استعداد های انسانی را برای تامین خواسته‌ها تا آنجا که عمی باشد به کار برید، لکن در انتخاب، ارزیابی و طرق تامین خواسته‌ها جاهل عقل و تدبیر را از دست ندهید.»

البته با این تضاد عقاید، وضع و موقع هر فرد به مقدار زیادی بستگی دارد به انتخاب تصمیح اساسی او، تصمیح درباره هدف زندگی. انسان ممکن است هدفی اخلاقی از زندگی و جهان هستی داشته باشد، هدفی که قاعده و قانون رهنمون و حاکم بر آن است، یا ممکن است منکر چنین هدفی باشد و زندگی و جهان هستی را نتیجه تصادفی اثرات متقابل پدیده های طبیعی بداند. از این رو، برخی به این نتیجه می‌رسند که در این دنیای خواسته‌های بی‌انتهای، نیل به سعادت غائی میسر نمی‌شود، بلکه این سعادت با در دنیای دیگر، در زندگی جاوید که اطاعت از قوانین قادر متعال - خدا - طریق وصول بدان است، به دست خواهد آمد. دسته دیگر منکر وجود چنین قدرت لایزالی هستند و طبعاً در طلب تمامی چیزهایی هستند که خوشی و رضای خاطر به بار می‌آورد و عنان اختیار امیال و هوسهای خود را جز در برخورد با موانع غیر قابل اجتناب، افراد قویتر یا سازمانهایی که سد راضیان می‌شوند از دست نمی‌دهند.

شخصیت انسان مبتنی بر طبیعت اخلاقی و مذهبی اوست. انسان موجودی است «اهل منطق و استدلال». موجودی است در جستجوی حقیقت. همچنین موجودی است اجتماعی. انگیزه حفظ نوع از دیرباز به گونه میل به جستجوی مصالح، تشکیل خانواده، طایفه (۳)، جامعه‌ای که مالکیت زمین مشترکی را داشته باشند، با یکدیگر همکاری کنند و به طرق مختلف با هم در ارتباط باشند، تجلی یافته است. انسان حیوانی است اجتماعی، در واحدی سیاسی که در آن حقوق و وظایفی دارد چشم به جهان گشوده است. بشری اقتصادی (۴) است که می‌کوشد احتیاجات و خواسته‌های خود را نه فقط به حکم غریزه بلکه طبق نقشه و نظام ارضاء کند.

از آنجا که این تصمیح اساسی و درعین حال مهمترین تصمیح، در تکوین طرز تلقی احتیاجات و خواسته‌ها موثر است و از آنجا که تامین احتیاجات و خواسته‌ها رهنمون اعمال و فعالیت‌های بشر می‌باشند، نمی‌توان این نتیجه غائی را که بر راه و رسم زندگی و رفتار انسانی تأثیر شگرفی بر جای می‌نهد نادیده انگاشت. از این حیث خط فاصلی بین افراد بشر به وجود می‌آید.

سرچشمه دیگر تضاد احتمالی در این است که خواسته‌های يك فرد ممکن است با خواسته‌های گروهی که فرد مورد نظر جزئی از آن است سازگار نباشد. معمولاً زندگی گروهی خواسته‌های فردی را در جهت برخورداری از امنیت و کارآیی بیشتر تکمیل می‌نماید. لکن سعی گروه بر آن است که زمینه

کالاهای رایگان و کالاهای اقتصادی

زمین و در وهله نخست خاک، آب و مواد معدنی آن مبنای طبیعی تامین احتیاجات مادی و خواسته‌های بشری است و کیست که از این خوان نعمت بهره‌مند و برخوردار نشده باشد.

برخی از وسایل تامین احتیاجات و خواسته‌ها به رایگان و به وفور در اختیار قرار دارد. هوا بهترین مثال برای کالاهایی است که تحت عنوان «کالاهای رایگان» طبقه بندی می‌شوند. لکن بیشتر وسایل ارضای احتیاجات و خواسته‌ها به رایگان و به وفور عرضه نمی‌شود. تامین این گونه کالاهای مستلزم صرف میزان معینی تلاش یا کار انسانی است. این کالاهای رایگان

در این صورت که این تصمیح اساسی و درعین حال مهمترین تصمیح، در تکوین طرز تلقی احتیاجات و خواسته‌ها موثر است و از آنجا که تامین احتیاجات و خواسته‌ها رهنمون اعمال و فعالیت‌های بشر می‌باشند، نمی‌توان این نتیجه غائی را که بر راه و رسم زندگی و رفتار انسانی تأثیر شگرفی بر جای می‌نهد نادیده انگاشت. از این حیث خط فاصلی بین افراد بشر به وجود می‌آید.

سرچشمه دیگر تضاد احتمالی در این است که خواسته‌های يك فرد ممکن است با خواسته‌های گروهی که فرد مورد نظر جزئی از آن است سازگار نباشد. معمولاً زندگی گروهی خواسته‌های فردی را در جهت برخورداری از امنیت و کارآیی بیشتر تکمیل می‌نماید. لکن سعی گروه بر آن است که زمینه

گردآوری شوند و در غالب موارد تغییر شکل داده شوند تا برای استعمال و منظور انسان قابل استفاده گردند. این گونه کالاها که طبیعت آنها را به مقادیر کم و نه به میزان زیاد عرضه داشته و تلاش انسانی را هم لازم دارند در مقایسه با کالاهای رایگان و میل بشر به استفاده از آنها، کمیاب می‌باشند. به علت کمیاب بودن، استفاده از این قبیل کالاها مراقبت بیشتری را ایجاب می‌کند، از حیث و میل آنها باید خودداری شود و استفاده از آنها اقتصادی باشد. این گونه کالاها «کالاهای اقتصادی» نامیده می‌شوند.

پیشرفت فرهنگی، به پرورش و تهذیب شخصیت انسان و استعدادهای ذهنی و روحی وی بستگی دارد. ارتقاء مدارج تمدن منوط به توفیق بشر در تامین کالاهای اقتصادی بیشتر چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی می‌باشد. طی هزاران سال، بشر طریق استفاده روزافزون از طبیعت را فرا گرفته و مساعی خستگی ناپذیر او، علی‌الدوام زمینه‌های جدید را بر او گشوده است. بشر طرز استفاده از آتش، ساختن منزل و ماوی، اختراع ابزار کار، شخم زمین و اهلی کردن حیوانات را آموخته و تاندازه‌های راه غلبه بر نیروهای وحشی و مانند حیوانات وحشی، زهر و عوامل خصم که زندگی او را تهدید می‌کند فرا گرفته است. در تمامی این مدت بشر از نیروهای طبیعی مانند باد، جزر و مد، قوه جاذبه زمین و بسیاری نیروهای دیگر استفاده فراوان بر گرفته است. بشر، در این رهگذر، بارنج و تنب، شکبائی و مداومت بسیار دانش و تجربه‌های کسب نموده است که برای تمامی افراد انسان دارایی گرانقدری به شمار می‌آید.

اصل اقتصادی

در رهگذر این کوشش و کوشش و بانوجه به مبنی که به رضای احتیاجات و خواسته‌های خود دارد، سعی بشر بر این بوده است که با صرف حداقل تلاش یا هزینه حداکثر نتیجه را به دست آورد. این راه و روش، اصل اقتصادی نامیده می‌شود. هر فرد، اهم از اینکه تحت تاثیر مرتب خود پرستی یا نودوستی باشد، می‌بایست بروفق این اصل رفتار کند. اصل اقتصادی، فی‌نفسه، حتی در صورتی که با ملاحظاتی اخلاقی معارض باشد، نه خوب است و نه بد. مسئله ملاحظاتی اخلاقی که ممکن است به میان آید به انگیزه اعمال فرد مرتبط است و نه با اصل اقتصادی به نحوی که توجه شد. اصل اقتصادی حتی اگر در غالب موارد ناخودآگاه یا بدخودی خود به کار رود، بر تمام طبیعت ارگانیك و کلیه اعمال انسانی غلبه دارد.

تعریف اقتصاد

اقتصاد علمی است که رفتار و رابطه انسان را با اشیاء مادی مورد احتیاج و خواست او که به رایگان توسط طبیعت تأمین نمی‌شود مورد مطالعه قرار می‌دهد. *

باشد چه لازمه وجود انسان تامین معاش او است. معذک، آنچه مورد نظر اقتصاد دانان قرار دارد، آموزش طرق و وسایلی است که به حفظ رفاه مادی انسان منجر می‌شود و نه اخلاقیات و اعمال خلاف اخلاق.

اهمیت بارز اقتصادی در این است که این علم مبنی بر حقیقت غیر قابل انکاری است که اکثریت قریب به اتفاق افراد بشر طی دوران حیات خود ناگزیرند با آن مواجه گردند و این حقیقت تامین احتیاجات و خواسته‌های بشری است. مطالعه اقتصادی می‌باید درک، بیان و تاحدی پیش‌بینی رفتار اقتصادی بشر را امکان پذیر سازد. این مطالعه می‌باید به بهبود رفاه مادی بشر به عنوان يك فرد و به عنوان يك فرد جامعه كمك كند. در پاسخ بدین سؤال که وضع چگونه است، مطالعه اقتصاد عواملی را که موجب تغییرات بی‌دریغی فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند، بررسی و توصیف و تحلیل می‌کند. طرح این سؤال که وضع چگونه باید باشد و طرح مسائل مربوط به سیاست اقتصادی نیز ممکن است در این مطالعه به میان آید.

از این رو می‌توان گفت اقتصاد قبل از هر چیز به شرح و تجزیه و تحلیل شرایط و روابطی که در قلمرو رفاه مادی قرار دارد، می‌پردازد. با این همه، برخلاف علوم طبیعی، اقتصاد علم محض نیست. فعالیت‌های اقتصادی و فرایندهای اقتصادی، مدمرصد تابع قوانین طبیعت نیستند، بلکه طبق اصول و قواعدی چند که می‌تواند تحت تاثیر اراده بشر قرار گیرد عمل می‌کنند. سروکار داشتن با تعداد بیشمار عوامل متغیر، سروکار پیدا کردن با زندگی فی‌نفسه، تا حدودی عدم ثبات و عدم اطمینان را اجتناب ناپذیر می‌سازد. معذک، بازم به اندازه کافی دور رفتار انسانی، در طی زمان، نوعی همشکلی وجود دارد که کشف و استعمال بسیاری از احتمالات، اصول و «قوانین اقتصادی» را ممکن سازد.

آشکار است که در ازمته جدید، آگاهی دقیق از اصول و نظام‌های اقتصادی حتی از گذشته، ضرورت بیشتری یافته است. درک نادرست مطالب اقتصادی از جنبه قانونگذاران و مردم می‌تواند نتایج مصیبت‌باری به وجود آورد.

- ۱ - Spiral nebulae
- ۲ - Asteroids
- ۳ - Clan
- ۴ - Homo Economicus

* درخشانترین ستاره منظومه شمسی که با زمین ۳۰ سال نوری فاصله دارد. م.
* چون در زمینه اقتصاد مکاتب مخالفی وجود داشته و دارد، تعاریفی که از علم اقتصاد شده است بسیار زیاد است. اما این اختلاف در تعریف در علوم دیگر مانند نجوم و فیزیک، شیمی، روانشناسی و سایر علوم نیز دیده می‌شود.

بدین گونه، اقتصاد قبل از هر چیز مطالعه‌ای است که باب رفتار انسان، اعمالی که افراد بشر در ارتباط با اشیاء مادی، اشیا که به منظور ادامه حیات مورد احتیاج است و برای بهزیستی مورد خواست، انجام می‌دهند. در صورتی که امکان استفاده از این گونه اشیاء محدود نبود، هیچ گونه مسئله اقتصادی به میان نمی‌آمد و رعایت صرفه‌جویی در استفاده از آنها ضرورت نمی‌یافت. با وجود این، چون بسیاری از کالاها و طرق و وسایل به دست آوردن آنها محدود است، مسائل مربوط به تحقیق فوریت و ارزیابی کالاها به میان می‌آید و این امر که کالاها بر حسب اندازه، کمیت و کیفیت در تغییر می‌باشند، بر اشکال کار می‌افزاید.

اقتصاد، دانشی است اجتماعی و سایر شعب مطالعات وسیع رفتار انسانی، با تاریخ، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بستگی نزدیک دارد. کیه علوم اجتماعی باید دیگر در ارتباطند و هر يك از آنها ناگزیر به استفاده از نتایج مطالعات و تحقیقات سایر رشته‌ها می‌باشد. مطالعه اقتصادی هم نمی‌تواند از قوانین معتبر، لایزال و جهانشمول اخلاقی که باتمامی اعمال آزاد افراد بشر از جمله اعمال اقتصادی مرتبط است منفك باشد. در واقع، بدون اخلاق، هیچ اقتصادی نمی‌تواند به موجودیت خود ادامه دهد بی‌آنکه در کام فساد و تباهی قرار نگیرد. بدون اقتصاد هم اخلاق نمی‌تواند وجود خارجی داشته

